

برخورد با عاملین جنایات جنگی در افغانستان

آشتی ، بخشش، خاموشی یا افشاگری بیشتر

2013/20/10

عارف پوپل

دوستان و هموطنان دردمند خواهش و تمنا می دارم که پیش از مطالعه این مقال با کلیک نمودن به لینک پایین به صدا و تصویر این و دیویوی نجواجان خواهر دردمندان که شعر و آهنگ شاعر مردمی برادر محترم مسعودجان سجاد را که واقعاً از دل هر هموطن سروده است تماشا نمایید.

https://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=RaaXMDJSgsY

از یکی دو هفته بدینطرف میشود که مقامات قضایی کشور هالند یک لست پنجهزار نفری از قربانیان کشتارهای بی رحمانه گروهای نابکار و فرزندان ناخلف و جنایت پیشه خلق و پرچم را اولاً به دسترس مقامات دولت نادولت افغانستان قرار داده ولی هوشیارانه در عین زمان از طریق نشرات آزاد و انترنیتی در اختیار همگانی قرار داد که ازین اقدام نیک و محافظه کارانه دولت هالند قدر نموده چه در غیر آن امکان بزیر زدن این راپور از طرف مقامات دولتی و بخصوص شرکای جرم که پست های حساس دولتی را در اختیار دارند از بین میرفت. گرچه باید متذکر شد که نام و اسمای یک تعداد زیادی این قربانیان بی دفاع مادر وطن از طرف جلادان این بخاک خفتگان (حفیظاله امین نا امین) در سال 1979 نشر شده بود که با زرنگی خاینانه میخواست بار مسئولیت را به استاد بی فرهنگ اش «تره کی» بار نماید و هم بیرک کارمل و نجیب ، هر یک رندانه خواستند گناه کشتارها را به گردن لاشه های متعفن پیشرفتگان خودها بیندازند که مردم هوشیار فریب این مدارای بازیها را نخورده، در پهلوی مقاومت مسلحانه ملت، با آه و ناله نیمه شب های مادران، پدران، همسران و فرزندان پدر و مادر ندیده به دیار عدم رهسپار شدند که این اول کار بود.

وطنداران همدردم درین جا با وجودیکه فامیل خودم هم یکی ازین قربانیان بوده و منحصیث یک همرنج و همدرد شما حضور فرد فرد شما، داغ دیده های وطن اظهار صبر و حوصله مندی، ولی نه خاموشی و فراموش کردن و یا بخشایش این جنایت کاران را می نمایم و یا مانند یک عده بی درد و دارای پلان های شوم در چانته های شان که مردم دردمند را به طرف موعظه

های بخشایش و عدم بازخواست، تشویق و ترغیب میکنند و یا دعوت به اتن مشترک با همچو جنایتکاران بر سر گورهای دستجمعی قربانیان و شهدای گلگون کفن میکنند و یا حتی بی شرمانه از طریق تلویزیون‌ها و نشرات همگانی همچو پروگرام‌های یاد دهانی از قربانیان کشتارهای جنایات این ددمنشان را با رمز و کنایه و این که تا کی به این فریادهای حق طلبی و انتقام‌جویی‌ها دامن زد. می‌خواهند مردم را ترغیب به سکوت کنند. ما به این دایه‌های مهربان‌تر از مادر هوشدار می‌دهیم که فرزندان واقعی ملت افغانستان با وجودیکه شماها زهره ترک هم شوید یک لحظه‌ای هم از افشا و تکرار مکرر، در مکرر جنایات این وحشیان قرن 21 دست بر نخواهند داشت. طوریکه دوستان و غمشریکان واقعی فامیل‌های قربانیان همچون سحیه‌جان (پروگرام سحیه) این شاه‌دخت نترس و مبارز مقاوم حسن امیری، استوارنه هردو در هیچ پروگرام و برنامه خود لحظه‌ای از یادآوری و زنده نگه داشتن نام و خاطره شهدای بی کفن و بی قبر ملت به ماتم نشسته غافل نیستند.

درینجا می‌خواهم به این نادانان تاریخ و یا دانایان که میدانند ولی نمی‌خواهند که بدانند که چرا محترمان از قبیل نبیل‌جان مسکینیار، سحیه جان، حسن‌جان امیری، در تلویزیون‌های خارج کشور و صدها ژورنالیست و برنامه‌ساز وطنخواه مانند قریشی‌ها و صدهای دیگر در داخل کشور با وجود خطرات جانی برای‌شان، یک لحظه‌ای هم از ذکر مظالم، غارت‌ها، سوختن‌ها و چور و چپاول‌های این بداندیشان غافل نبوده و برعکس ادعای شماها «مدعیان دل‌تنگی‌های مردم» از یادآوری جنایات جنگ‌سالاران و جنایت‌پیشه‌گان تنظیم‌های پشاورنشین و ایران نشین و عده‌ای تکنوکراتان و تحصیل کرده‌گان ریزه‌خوار این تنظیم‌ها بر علاوه که دل‌تنگ نشده اند و نشده‌ایم، بلکه تشویق و پشتیبانی مادی و معنوی پروگرام‌های سحیه‌جان و آقای امیری و پروگرام‌های سیاسی آقای مسکینار که بازگوکننده دردها و آلام قربانیان 3 دهه‌ای اخیر می‌باشد بیشترین تعداد تماشاچیان و پشتیبانی معنوی و مادی و اسپانسرشیپ‌ها را دارا هستند. من به این دایه‌های شیرین‌زبان و مطرح‌کننده‌گان جلادان همچون گلبدین‌ها، ربانی‌ها، محقق‌ها، فهیم‌ها، بقایای حزب خلق و پرچم که در تباری با جنگ‌سالاران در مصیبت فعلی دست بهم داده اند. آوردن آواز و چهره همچو اشخاص را در بین خانه‌های مردم داغ‌دیده و به ماتم نشسته از طریق امواج رادیویی و تصویری جفای بس بزرگی در حق مردم بی‌صدا و بغض گرفته ملت بخون خفته میدانم. چه بسا دیده شده است که همچو مطرح‌کننده‌گان این چهره‌های اهریمنی و ناقضین حقوق بشرو یا نماینده‌گان نکتائی پوش‌شان را در حال و شرایطی در معرض دید داغداران و ماتم‌نشستگان وطن قرار می‌دهند که وطن‌داداران معذب تحت نام حفظ کرامت انسانی و اخلاق و ادب اجتماعی و در اصل بخاطر حفظ آبروی نداشته این چهره‌های مطرح شده جانی از طرف آقایان و بانوان گرداننده‌گان تلویزیون‌ها و رادیوها با مسدود نگه‌داشتن لاین‌های تلفون و عدم دسترسی مردم دردمند به پاسخ کشیدن این چهره‌های دروغگو چه بسا که به ناآرامی‌های روحی، جسمی و حتی سگته‌های مغزی و قلبی و طن‌داران نینجامیده باشد. شما و طن‌داران دردمند مطمئن هستم که به صحنه‌هایی برخورداید که یکی ازین جانیان به اصطلاح مطرح در افغانستان در صفحه تلویزیون در مصاحبه‌ای ظاهر شده و شما که خانه

و کاشانه و همسر و فرزندان تان توسط راکت پرانیهای همچو چهره‌های به اصطلاح مطرح در کارزار سیاست‌های کثافت‌کاری‌ها در افغانستان نمایان است، با بوت، کلاه، پتلون و نکتایی و همراه گرداننده تلویزیون و کمره، آلات و اسباب آن در چشمان گریان شما درآمده باشند. بلی ازین صحنه‌ها زیاد دیده شده است ولی جالب اینستکه نام این حرکت را میگذارند، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات. من میگویم که چه بهتر همچو آزادی‌ها را که موجب سکتۀ قلبی، مغزی و بالا رفتن بیموجب فشار خون دردمندان ما شود نداشته باشیم. سوال من از اندرکاران همچو برنامه‌نگاران تلویزیون‌ها که تاثیر آنی و مستقیم بر روحیۀ بیننده‌گان دارد، اینستکه آیا غرضتان از همچو برنامه‌ها اذیت و آزار خلاق است؟ یا اجندای دیگری دارد که عقل ما و ملت درد رسیده به آن قد نمیدهد. سوال دیگری که از همچو مدعیان دادن حق اظهارنظر برای متهمین به حقوق بشری همشهریان افغانستان موجود است. اینچنین مطرح میشود که آیا نظامیان ددمنش روسی و نوکران و پادوان بومی‌شان، باندهای خلق و پرچم و باندهای نا مجاهدین قدرت‌طلب در موقع به گلوله بستن‌ها، سینه بریدن‌ها، میخ‌کوبیدن‌ها بر فرزندان افغانستان حق اظهارنظر و دفاع انسانی را به آنها دادند؟ که حالا در تحت شعار حفظ کرامت انسانی این هیولاها نمک بر زخم‌ها میپاشید؟ اگر شماها هم با دیده درائی میگوئید که هنوز محکمه‌ای این اتهامات را به این نورچشمی‌های شما ثابت نکرده است. در حالیکه من میگویم اگر ذره‌ای عقلانیت و دیده‌ای باز باشد و غرض و مرضی در کار نباشد، همین لست شهدای 5 هزار نفری و دیگر گورهای دستجمعی کشف شده و ویرانی‌های پایتخت کشور و سوختن کابل و اضافه از 65 هزار کشتار بیرحمانۀ کابلیان سند محکومیت غیرقابل انکار این نابکاران در تاریخ است. در اخیر محترمانه ازین چنین اندرکاران و برنامه‌گذاران تلویزیونها خواهشمندیم، اگر راه و چاره‌ای اساسی در بوجود آوردن سوال و جواب قناعت‌بخش بین این دیده درایان تاریخ و شنونده‌گان معذب شده ندارید، فلذا تا آن مقطع تاریخ که شرایط بازخواست ازین جانیان و شرایط دفاع برای‌شان به اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی مهیا نگردد، از موقع دادن‌های یک طرفه این عناصر و در معرض فروش قرار دادن این متاع‌های سیاسی و سُرْمه‌هایی آزمون شده که سوال‌هایی را در قسمت خود شماعرضه کننده‌گان این مداری‌های سیاسی خلق میکند ابا ورزیده و به ماتم نشسته‌گان منت گذارید. و در اخیر باید اضافه کرد که این، خود این نابکاران تاریخ از خلقی و پرچمی گرفته تا گلبدینی و سیافی و دوستمی و غیره هستند که با دست نبرداشتن از سر مردم، موقع براه اندازی محاکم و شنیدن دفاع‌شان را خود سد شده‌اند نه ملت، و شرم‌آورتر از همه اینکه فکر کنم اولین بار در تاریخ جهان متهمین به جرایم، پیش از پیش کار محاکم را هم خودشان به عهده گرفته‌اند و خودها را خود بخشیده‌اند که به این ترتیب کار و زحمتی برای محاکم هم نمانده‌اند و با اشاراتی هم اکنون میگویند که ای ملت قربانی شده از ما حضرات (قاتلین عزیزان شما، ویران‌کننده هستی‌تان و بربادی وطن تان) سپاسگذار هم باشید که خرچ و کیل دفاع و قاضی و محکمه را هم از دوش شما ملت برداشته‌ایم. چنانچه استاد سیاف در بیانیه اخیر خود در قبال قدردانی ملت از تیم قهرمان فوتبال افغانستان گله‌مندی از قدردانی نکردن ملت از مجاهدین اشاراتی نمود که تعجب‌آور هم نبود.

نگفتم اگر ملت روزی بخواد با این ها تصفیه حساب انجام دهد نکند ، هفت کوه سیاه در میان، ملت بخون خفته قرض دار هم بر آید.

به امید روز بازخواست

پایان بی پایان

Aref.popal50@gmail.com